

خاطرات «باربارا والترز»

روزنامه‌نگار و برنامه‌ساز تلویزیونی معروف آمریکا

- Audition : A Memoir
- Barbara Walters
- Alfred A. Knope
- New York 2009
- 610 pages

۵۸۷

بنخارا
سال سیزدهم
شماره ۷۶
مرداد - شهریور
۱۳۸۹

از کتاب‌های تازه‌ای که در آمریکا چاپ شده و بخشی از آن به وقایع قبل و بعد از انقلاب ایران اختصاص دارد، خاطرات باربارا والترز از معروف‌ترین خبرنگاران و برنامه‌سازان تلویزیونی آمریکاست، که در مدتی کوتاه پس از انتشار به چاپ‌های متعددی رسیده و نسخه‌ای که من در دست دارم چاپ ششم آن است. از آنجا که باربارا والترز طی قریب پنجاه سال کار روزنامه‌نگاری و برنامه‌سازی برای شبکه‌های تلویزیونی آمریکا، از چهره‌های مطرح و پرخواننده و پربیننده رسانه‌های آمریکایی بوده، کتاب خاطرات او نیز با استقبال فراوانی روبرو شده و بحث‌های زیادی برانگیخته است.

کتاب خاطرات باربارا والترز با شرح زندگانی خود او شروع می‌شود، که با ماجراهای گوناگون دوران زندگی او مانند یک رمان پرکشش و خواندنی است. کتاب با شرح ورود او به عالم روزنامه‌نگاری و کار در شبکه‌های تلویزیونی آمریکا و طی مراحل‌ی که وی را به یکی از مشهورترین و پربیننده‌ترین برنامه‌سازان تلویزیونی آمریکا مبدل ساخت ادامه می‌یابد. کتاب همچنین متضمن خاطرات نویسنده از چهره‌های مشهور سیاسی و ادبی و هنری آمریکا و ارتباط با شخصیت‌های معروفی مانند کیسینجر است که باربارا والترز در فصلی از کتاب خود تحت عنوان «مردانی که در زندگی من اثر گذاشته‌اند» از آنها یاد می‌کند.

اما جالب‌ترین بخش خاطرات باربارا والترز شرح مسافرت‌های او به چهار گوشه جهان و ملاقات و مصاحبه با ده‌ها تن از سلاطین و رؤسای جمهور و رهبران سیاسی و نظامی کشورهاست. خاطرات باربارا والترز از ایران، از سفر او به ایران در جریان جشن‌های دوهزار و پانصدمین سال



• باربارا والترز و همکاران در برنامه تلویزیونی «امروز» Today (سال ۱۹۷۱ میلادی)

شاهنشاهی ایران آغاز می‌شود و با شرح مسافرت‌هایش به ایران و ملاقات و مصاحبه با شاه و فرح در کاخ نیاوران ادامه می‌یابد. این مصاحبه‌ها که شامل بعضی مسائل پشت پرده و اختلاف دیدگاه‌های شاه و فرح است در زمان پخش آن در آمریکا در ایران سانسور شد، و باربارا والترز متن قسمت‌های سانسور شده آن را در کتاب خود آورده است. باربارا والترز همچنین به روابط خود با اردشیر زاهدی آخرین سفیر شاه در آمریکا و عیاشی‌ها و ریخت‌وپاش‌های او اشاراتی دارد.

باربارا والترز پس از انقلاب به ایران سفر نکرده، ولی در یکی از ماجراهای بحث‌انگیز مربوط به روابط ایران و آمریکا نقش شگفت‌انگیزی ایفا کرده است. فصل بلندی از کتاب خاطرات او به ماجرای معروف به «ایران کنترال» (فروش محرمانه سلاح‌های آمریکایی به ایران و انتقال سود حاصله از آن به شورشیان نیکاراگونه) که با افشای سفر محرمانه مک‌فارلین فرستاده ویژه ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا به ایران جنجال بزرگی آفرید اختصاص یافته است. باربارا والترز در این ماجرا نقش شگفت‌انگیزی در انتقال پیغام محرمانه ایرانی‌ها به ریگان ایفا می‌کند، که در کتاب خاطرات خود برای نخستین بار آن را افشا کرده است.

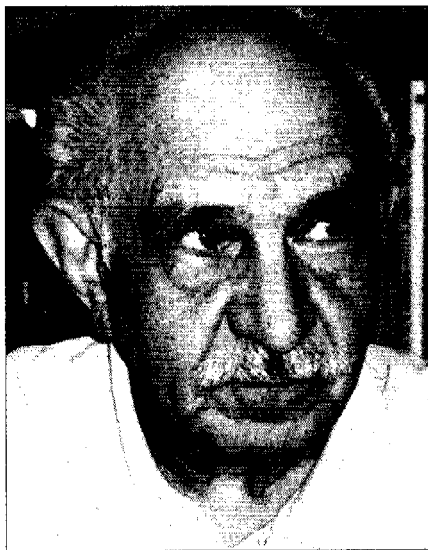
باربارا والترز در مدت نزدیک به نیم قرن کار در رسانه‌های آمریکایی و اجرای چندین برنامه موفق تلویزیونی، که هر یک سالها دوام یافته و میلیون‌ها بیننده داشته است، با بیش از سی تن از پادشاهان و رؤسای جمهور و نخست‌وزیران و رهبران سیاسی و نظامی کشورها و همچنین شخصیت‌های غیرسیاسی مانند پاپ و دالائی‌لاما و اوناسیس و زنان نامداری چون پرنسس دایانا و گریس کلی ملکه موناکو و ده‌ها هنرپیشه و ستاره مشهور سینما ملاقات و مصاحبه کرده، که به نکات



• باربارا والترز در مصاحبه ای تلویزیونی با هاری ریزونر (سال ۱۹۷۶ میلادی)

برجسته‌ترین آنها در کتاب خاطرات خود اشاره می‌کند. از جمله کسانی که در این کتاب به موضوع ملاقات و مصاحبه با آنها اشاره شده است، می‌توان به هفت رئیس جمهور آمریکا، مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلستان، فیدل کاسترو رهبر کوبا، ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی، انور سادات رئیس جمهور مصر، صدام حسین رئیس جمهور عراق، قذافی رهبر لیبی، یلتسین و پوتین رؤسای جمهور روسیه، رهبران چین کمونیست و هوگو چاوز رئیس جمهور ونزوئلا اشاره نمود. باربارا والترز فصل بلندی از کتاب خود را به ملاقات‌ها و مصاحبه‌هایش با فیدل کاسترو رهبر کوبا و دشمن سرسخت آمریکا اختصاص داده و روابط او با فیدل کاسترو به قدری صمیمانه بوده است که شایعاتی دربارهٔ دلبستگی آنها به یکدیگر در مطبوعات آمریکا منتشر شده است. باربارا والترز می‌نویسد که پس از پخش اولین مصاحبه‌اش با فیدل کاسترو، مهاجران کوبایی در آمریکا که از دشمنان سرسخت کاسترو هستند او را تهدید به مرگ کردند و شبکهٔ تلویزیونی ABC آمریکا که این مصاحبه را پخش کرده بود محافظانی برای او استخدام کرد و دخترش نیز از ترس ریوده شدن به دست مخالفان چندین ماه همراه یک گارد محافظ به مدرسه می‌رفت.

باربارا والترز نه فقط از ملاقات‌ها و مصاحبه‌هایش با دشمنان سرسخت و قسم‌خوردهٔ آمریکا مانند فیدل کاسترو و قذافی و صدام حسین و چاوز، یا رهبران چین کمونیست و پوتین رئیس جمهور سابق و نخست‌وزیر فعلی روسیه، که اگر دشمن آمریکا نباشند دوست آمریکا هم نیستند دفاع می‌کند، بلکه تماس و گفتگو با مخالفان و منتقدان آمریکا را مفید و سازنده می‌داند و می‌نویسد وقتی رهبران و دولتمردان ما حاضر نیستند با آنها گفتگو کنند، کسی باید باشد که پای صحبت آنها بنشیند و حرف‌هایشان را منعکس کند و این خود گامی در راه تفاهم و آشتی است.



• محمود طلوعی

از ویژگی‌های مصاحبه‌های باربارا والترز با سران و رهبران کشورها، صراحت او در این گفتگوهاست. به‌طور مثال در ملاقات با پوتین رئیس‌جمهور سابق روسیه و نخست‌وزیر فعلی آن کشور به سوابق او در سازمان مخوف اطلاعاتی شوروی سابق (کا. گ. ب. که پوتین از افسران ارشد آن بوده است)، اشاره کرده و بی‌پرده از او می‌پرسد «آیا شما دستور قتل کسی را داده‌اید؟» در ملاقات با جیانگ زمین رهبر چین در جریان سرکوب نهضت دانشجویان چینی، عکس معروف دانشجوی چینی را که در برابر تانک ایستاده است به او نشان می‌دهد و می‌پرسد «این جوان امروز کجاست، می‌گویند شما او را اعدام کرده‌اید!» و یا در مصاحبه با معمر قذافی رهبر لیبی به صراحت به او می‌گوید «رفتار و گفتار شما باعث شده است که مطبوعات آمریکا شما را دیوانه بخوانند!»

باربارا والترز در نقل سخنان تند و گاه بسیار زننده و توهین‌آمیز مخالفان و منتقدان سیاست‌های آمریکا هم صریح و بی‌پرواست. به‌طور مثال سخنان چاوز رئیس‌جمهور ونزوئلا را دربارهٔ بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا که او را مردی شیاد و حقه‌باز و بی‌شعور می‌خواند عیناً منعکس می‌کند. یا از زبان یک دانشجوی عرب که پس از واقعهٔ یازده سپتامبر با او ملاقات کرده می‌نویسد «بوش بزرگترین تروریست دنیاست!» و از زبان دانشجوی دیگری می‌نویسد «تمام بدبختی‌های دنیا زیر سر صهیونیست‌هاست و حمله به برج‌های تجارت جهانی در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ هم کار آنهاست.»

باربارا والترز در طرح سئوال‌اتش از رؤسای جمهوری آمریکا هم بی‌پرواست. او به مصاحبه با رؤسای جمهوری آمریکا اکتفا نکرده و با همسران آنها نیز به گفتگو می‌نشیند و در مورد کلیتون که با رابطه با یکی از دختران کارمند کاخ سفید رسوائی بزرگی به بار آورد، به شرح جزئیات این ماجرا پرداخته و فصلی از کتاب خود را به مصاحبه با این دختر (مونیکا لوینسکی) و سرنوشت غم‌انگیز او اختصاص داده است.